



## Analyzing Strategies for Enhancing Group Learning in Primary Education from the Perspective of Farhangian University Professors

Mahdiyeh Sadat Mirrahimi<sup>1</sup>, Fatemeh Pahlavan Bagheri<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Educational Sciences, Hazrat Narjes Faculty, Vali-e-asr university of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran. (Corresponding Author). m.mirrahimi@vru.ac.ir
2. Student of Farhangian University, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Yazd, Iran. fpahlevn@gmail.com

### Abstract

**Objective:** This study aimed to analyze strategies for enhancing group learning in primary education from the perspective of university professors in Yazd. The research was conducted using a qualitative approach and content analysis. Data were collected and analyzed through semi-structured interviews with 17 specialists, using purposive sampling. Three methods were employed to ensure the validity of the findings: external auditing, participant review of results, and continuous monitoring to ensure the validity of the findings. **Findings:** The research results led to the identification and categorization of three selected components, six core components, and 34 sub-components as strategies for improving group learning. The findings emphasized the importance of factors such as creating rich and high-quality learning environments, purposeful social citizenship education, and strengthening systematic models in schools. Moreover, socialization education in schools was identified as a necessity for nurturing individuals who are knowledgeable, responsible, and capable of facing social challenges. **Conclusion:** The study highlighted the role of teachers as key agents in shaping desirable social actions among students. Teachers' teaching methods should encourage active participation, group collaboration, and constructive exchange of ideas. Additionally, fostering a culture of teamwork among all school stakeholders was considered a critical prerequisite for establishing effective group learning environments. Finally, the research emphasizes the need to nurture informed and responsible citizens through the design of rich learning environments and systematic education in schools.

**Keywords:** Content Analysis. Group Learning. Elementary School. Farhangian University. Teacher

**Received:** 2024/10/21; **Revised:** 2024/11/5; **Accepted:** 2024/12/17; **Published:** 2024/12/21  
**Cite this article:** Mirrahimi, M.S & Pahlavan Bagheri, F (2025). Analyzing Strategies for Enhancing Group Learning in Primary Education from the Perspective of Farhangian University Professors. *Interdisciplinary Studies in Education*. 3(4), p.127-148.  
<https://doi.org/10.22034/ISE.2025.17552.1148>.



## تحلیل راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی در دوره ابتدایی از دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان

مهديه سادات میررحیمی<sup>۱</sup>، فاطمه پهلوان باقری<sup>۲</sup>

۱. استادیار علوم تربیتی، دانشکده حضرت نرجس، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول).

m.mirrahimi@vru.ac.ir

۲. دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران. fpahlevn@gmail.com

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف تحلیل راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی در دوره ابتدایی از دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان شهر یزد انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش تحلیل محتوا صورت گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ نفر از متخصصان، به شیوه نمونه‌گیری هدفمند گردآوری و بررسی شدند. برای اطمینان از صحت یافته‌ها، از سه روش ممیزی بیرونی، بازبینی نتایج توسط مشارکت‌کنندگان و کنترل مداوم استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش منجر به شناسایی و دسته‌بندی سه مؤلفه انتخابی، شش مؤلفه محوری و ۳۴ زیرمؤلفه به‌عنوان راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی شد. یافته‌ها بر اهمیت عواملی چون ایجاد محیط‌های یادگیری غنی و باکیفیت، آموزش هدفمند شهروندی اجتماعی و تقویت الگوهای نظام‌مند در مدارس تأکید داشت؛ همچنین، آموزش جامعه‌پذیری در مدارس به‌عنوان ضرورتی اساسی برای تربیت افرادی آگاه، مسئولیت‌پذیر و توانمند در مواجهه با چالش‌های اجتماعی شناسایی شد. **نتیجه‌گیری:** تأکید بر نقش معلمان به‌عنوان عوامل کلیدی در شکل‌دهی به کنش‌های اجتماعی مطلوب در میان دانش‌آموزان برجسته شد. روش تدریس معلمان باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را به مشارکت فعال، همکاری گروهی و تبادل سازنده افکار ترغیب کند؛ همچنین، فرهنگ‌سازی در زمینه کار گروهی میان تمامی عوامل مدرسه به‌عنوان پیش‌شرطی حیاتی برای ایجاد محیط‌های یادگیری گروهی مؤثر مطرح شد؛ در نهایت، پژوهش بر ضرورت تربیت شهروندانی آگاه و مسئولیت‌پذیر از طریق طراحی محیط‌های یادگیری غنی و آموزش نظام‌مند در مدارس تأکید می‌کند.

**واژگان کلیدی:** استادان دانشگاه فرهنگیان، تحلیل محتوا، دوره ابتدایی، یادگیری گروهی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۳۰؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۱  
استناد به این مقاله: میررحیمی، مهديه سادات و پهلوان باقری، فاطمه. (۱۴۰۳). تحلیل راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی در دوره

ابتدایی از دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان. مطالعات بین‌رشته‌ای در آموزش. ۲(۴)، ص ۱۲۷-۱۴۸.

<https://doi.org/10.22034/ISE.2025.17552.1148>

## مقدمه

باورهای کارآمدی جمعی یکی از مفاهیم کلیدی در ارتقای عملکرد گروهی و پیشرفت سازمانی است. این باورها که بر تکالیف گروهی، تلاش‌ها و افکار مشترک اعضای گروه تأثیر می‌گذارند، نقش مهمی در سازمان‌دهی فرایندهای آموزشی ایفا می‌کنند. در محیط‌های آموزشی، باورهای معلمان به‌عنوان یک غربال شناختی عمل می‌کنند و بر تصمیم‌گیری‌ها، روش‌های تدریس و نتایج آموزشی اثر می‌گذارند (Pajares, Janson & Usher, 2014). کلاس‌های درس به‌عنوان محیط‌های اجتماعی، با هدف تسهیل یادگیری دانش‌آموزان طراحی می‌شوند. فراهم کردن جو مناسب در کلاس برای یاددهی و یادگیری ضروری است (مقدم‌زاده، صالحی و حسن‌زاده پلکویی، ۱۳۹۷). یکی از روش‌های مؤثر برای ایجاد چنین محیطی، استفاده از کار گروهی است. کار گروهی نه تنها موفقیت تحصیلی و شخصی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد، بلکه آنها را به سمت تعاملات اجتماعی سازنده هدایت می‌کند. مطالعات نشان داده‌اند که کار گروهی، در صورت برنامه‌ریزی مناسب، می‌تواند باعث افزایش تعاملات اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان شود (Li, Mayer & Malmberg, 2024). با وجود فواید اثبات‌شده، یادگیری گروهی هنوز به بررسی‌های بیشتری نیاز دارد؛ به‌ویژه در زمینه نقش آن در تقویت مهارت‌های رهبری دانش‌آموزان. این موضوع به‌خصوص در مدارس ابتدایی، که پایه‌گذار بسیاری از مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Hishamuddin & Shukor, 2021 & Villera Herrera & Pinto Lucas, 2020)؛ همچنین، مداخلات یادگیری گروهی در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، با توجه به استفاده گسترده از فناوری‌های دیجیتال، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را به‌وجود آورد. تحقیقات نشان داده‌اند که استفاده از ابزارهای دیجیتال می‌تواند مشارکت فعال دانش‌آموزان را تسهیل کند و کیفیت یادگیری را بهبود بخشد؛ هرچند نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و آموزش معلمان برای بهره‌برداری از این ابزارهاست (Mogelvang et al, 2023 & Silalahi & Hutauruk, 2020).

با توجه به اهمیت کار گروهی و نقش معلمان در توسعه مهارت‌های رهبری دانش‌آموزان، پژوهش‌های اخیر تأکید دارند که تغییر در روش‌های تدریس و استفاده از روش‌های مشارکتی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر یادگیری و بهزیستی معلمان و دانش‌آموزان داشته باشد (Li, Mayer & Malmberg, 2024)؛ بنابراین یادگیری گروهی، چه به صورت ساختاریافته و چه بدون ساختار، به عنوان یکی از استراتژی‌های نوین در آموزش و یادگیری شناخته می‌شود که تأثیر بسزایی در تقویت مهارت‌های تحصیلی، اجتماعی و روان‌شناختی دانش‌آموزان دارد. یادگیری گروهی ساختاریافته، از جمله یادگیری مبتنی بر گروه و یادگیری مبتنی بر حل مسئله، به عنوان رویکردهایی مؤثر برای کشف مفاهیم متنوع آموزشی مطرح شده‌اند (Hill et al, 2020). این روش‌ها، با تأکید بر یادگیری دانش‌آموزمحور، مهارت‌های پرسش‌گری و تفکر انتقادی را از طریق پروژه‌های حل مسئله و بازخوردهای سازنده تقویت می‌کنند (Khurma & El Zein, 2024).

ویژگی‌های بارز یادگیری مشارکتی شامل تأکید بر اهداف گروهی، مسئولیت فردی و فرصت‌های برابر یادگیری است که باعث بهبود نگرش دانش‌آموزان نسبت به محتوای آموزشی، افزایش تحمل و تعامل مثبت میان فرهنگ‌های مختلف و تقویت انگیزه برای یادگیری می‌شود (Areepattamannil et al, 2023). یادگیری گروهی به عنوان یکی از استراتژی‌های مؤثر در آموزش و پرورش، نقش اساسی در تقویت مهارت‌های اجتماعی، تحصیلی و روان‌شناختی دانش‌آموزان دارد. این روش، به ویژه در مقطع ابتدایی، فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا ضمن همکاری با همسالان خود، مهارت‌هایی چون اعتماد به نفس اجتماعی، سلامت روانی و توانایی پذیرش دیدگاه‌های مختلف را در خود پرورش دهند (Fan, 2022 & Haatainen & Aksela, 2021)؛ از سوی دیگر، محیط‌های کاری آینده به روحیه کار گروهی و توانایی همکاری وابسته‌اند و برای آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت ورود به این محیط‌ها، ضروری است که از همان سال‌های ابتدایی تحصیل، فرصت تجربه و آشنایی با یادگیری گروهی فراهم شود (کریمی، محمدزاده قصر و افشاری، ۱۳۹۱). در این میان، اهمیت آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع امروزی غیرقابل انکار است. این نهاد حیاتی نه تنها آینده نسل‌ها را شکل می‌دهد، بلکه پایه‌گذار سرمایه انسانی ارزشمندی است که توانایی هدایت جوامع از جهل به دانش را دارد.



دانش‌آموزان به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های این نهاد، نقش کلیدی در پیشرفت و توسعه کشورها ایفا می‌کنند. پرورش نسلی مسئولیت‌پذیر با کنش اجتماعی مطلوب، نیازمند اجرای راهبردهای هدفمند و مؤثر است که یکی از این راهبردها، یادگیری گروهی است. یادگیری گروهی در مقطع ابتدایی، فرصتی برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، تعامل مثبت و مسئولیت‌پذیری فراهم می‌کند. این روش از طریق همکاری میان دانش‌آموزان، به بهبود کیفیت یادگیری و تقویت مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله کمک می‌کند؛ با این حال، موفقیت این روش به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، درک و ارزیابی استادان و معلمان نسبت به اثربخشی این روش و آمادگی آنها برای اجرای آن است. آمادگی و نگرش مثبت معلمان به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت یادگیری گروهی، تأثیر مستقیم بر اجرای اثربخش این راهبرد و ایجاد محیط‌های یادگیری همکاری‌محور دارد. با وجود مطالعاتی که بر اهمیت یادگیری گروهی تأکید کرده‌اند، بررسی دقیق‌تر دیدگاه معلمان و استادان دانشگاه‌ها نسبت به راهکارهای ارتقای این روش به‌ویژه در دوره ابتدایی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این شکاف پژوهشی ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند. به‌ویژه در مقطع ابتدایی، که پایه‌گذار بسیاری از مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است، پرداختن به راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با نگاه کل‌نگر به دنبال سنخ‌شناسی و تحلیل راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی در دوره ابتدایی از دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان شهر یزد است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش به‌صورت ذیل مطرح می‌شود:

راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی دوره ابتدایی از دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان شهر یزد کدام‌اند؟

### مبانی نظری

آموزش مسئولیت‌پذیری به افراد باید از سنین ابتدایی آغاز شود. حضور افراد مهم در کنار دانش‌آموزان و نشان دادن ارزش‌گذاری به دیگران در بیان و رفتار می‌تواند تأثیر عمیقی در تربیت آنها داشته باشد (Bezi et al, 2024). این آموزش باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان از ناراحتی دیگران رنج ببرند، بر رفتار خود کنترل داشته باشند و احساس

تعهد نسبت به دیگران را درک کنند. اهمیت کار گروهی در این میان بسیار برجسته است؛ چرا که این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از طریق همکاری، نحوه به اشتراک گذاشتن ایده‌ها را بیاموزند، انگیزه فعالیت و مسئولیت‌پذیری بیشتری کسب کنند و اعتمادبه‌نفس خود را تقویت کنند (Kafshchian Moghadam, 2024). لدفورد و والری<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی یادگیری از رفتارهای اجتماعی در جریان آموزش مستقیم در گروه‌های کوچک پرداختند و روش تدریس گروهی را به‌عنوان روشی معتبر معرفی کردند. این روش می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب، تعاملات اجتماعی را افزایش دهد. همچنین، لی و دیگران<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) دریافتند که این روش تدریس منجر به افزایش انگیزه فعالیت، مسئولیت‌پذیری بیشتر، اعتمادبه‌نفس و یادگیری نحوه به اشتراک گذاشتن ایده‌ها می‌شود. مقدم‌زاده، صالحی و حسن‌زاده پلکویی، (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روش تدریس مشارکتی تأثیر مثبتی بر انسجام اجتماعی و انسجام تکلیف دانش‌آموزان دارد. به‌علاوه، یادگیری مشارکتی معلمان را در بهره‌گیری از ظرفیت هم‌افزایی تعامل گروهی یاری می‌رساند و منجر به نتایج مطلوب اجتماعی می‌شود.

صیادپور و صیادپور (۱۳۹۶) نیز بیان کردند که یادگیری مشارکتی، اضطراب دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد و انگیزه پیشرفت تحصیلی آنها را افزایش می‌دهد. مطالعات دیگری چون ناصری، حضرتی و میرزایی (۱۳۹۷) انجام شده است که به بررسی زمینه‌های مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی پرداختند. آنها نشان دادند که رضایت‌مندی از امکانات مدرسه تأثیر مثبتی بر مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی دارد؛ همچنین، ساختار قدرت مشورت‌محور در خانواده و انسجام اجتماعی دانش‌آموزان با محیط اطراف و جامعه نقش مهمی در ارتقای اعتماد اجتماعی و افزایش مشارکت گروهی ایفا می‌کند. هدایتی (۱۴۰۱) نیز یادگیری گروهی را یکی از استراتژی‌های مهم آموزشی قلمداد کرده است و بیان داشته که رویکردهای تعاملی در فرایند تدریس و یادگیری، روش مؤثری برای تقویت مهارت‌ها ارائه می‌دهند. یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از رویکردهای مؤثر برای ارتقای مهارت‌های رهبری در میان دانش‌آموزان شناخته شده است (Yang et al, 2021)؛ زیرا که یادگیری مشارکتی با تأکید بر یادگیری از طریق

تبادل نظر و همکاری گروهی، می‌تواند به بهبود فرآیند یادگیری و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک کند (Johnson, Johnson, & Smith, 2014). در محیط‌های آموزشی، یادگیری مشارکتی نه تنها به افزایش انگیزه و مشارکت فعال دانش‌آموزان منجر می‌شود، بلکه باعث تعمیق درک مفاهیم و تقویت مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی آنها نیز می‌گردد (Muawanah, 2023; Kafshchian Moghadam, Maleki & Sadeghi, 2024; Bezi et al, 2024 & Li, Mayer & Malmberg, 2024)؛ علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای مثبت دانش‌آموزان مانند مشارکت در فعالیت‌های گروهی می‌تواند احساسات معلمان را تقویت کند و این تعاملات دوطرفه به بهبود کیفیت آموزش منجر شود (Areepattamannil et al, 2023). یادگیری مشارکتی به‌عنوان یک روش مؤثر در بهبود تجربه آموزشی به‌ویژه در حوزه‌هایی که نیاز به حل مسائل پیچیده و نوآوری دارند، مطرح شده است (Aldoseri, 2024). یافته‌های مطالعه انصاری اردلی و رئیسی اردلی (۱۴۰۲) نشان داد که مسئولیت‌پذیری شامل خودارزیابی و اجتناب از بهره‌برداری از تلاش دیگران است. یادگیری مشارکتی روشی ارزشمند برای پرورش و توسعه مهارت‌های رهبری در دانش‌آموزان است. هنگام کار گروهی، نه تنها باید اهداف جمعی در اولویت باشند، بلکه هر فرد نیز مسئولیت عملکرد خود را بر عهده گیرد. این حس مسئولیت‌پذیری در میان اعضای گروه می‌تواند به‌طور قابل توجهی به پرورش رهبران مؤثر کمک کند.

برای اطمینان از توزیع عادلانه‌تر مسئولیت‌ها، مهم است که کل بار گزارش نهایی کار به یک فرد محول نشود؛ در عوض، هر یک از اعضای گروه باید فرصتی داشته باشند تا به نوبت نقش رهبری را تجربه کنند؛ در حالی که حقوق و مشارکت دیگران را نیز محترم می‌شمارند. این رویکرد بازتابی از سبک مدیریت مشارکتی است که معمولاً در کلاس‌های ابتدایی مشاهده می‌شود؛ جایی که نقش معلم کمتر محوری است و دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای تمرین مهارت‌های رهبری پیدا می‌کنند.

یادگیری مشارکتی به‌عنوان روشی نوین و مؤثر مطرح شده است که می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری کمک کند؛ با این حال، اجرای یادگیری مشارکتی در دوره‌های آموزشی، به‌ویژه در حوزه‌های پیچیده، با چالش‌های متعددی همراه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مشکلات هماهنگی و تقسیم وظایف، تفاوت‌های سطح دانش و

Fang, Dai & Wang, ) توانایی‌های اعضای گروه و محدودیت‌های زمانی اشاره کرد (2018; Haq et al, 2020 & Järvelä, Nguyen & Hadwin, 2023). این چالش‌ها می‌توانند مانعی برای بهره‌برداری کامل از مزایای یادگیری مشارکتی باشند و نیازمند بررسی و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آنها هستند.

این پژوهش با توجه به اهمیت و تأثیرات مثبت یادگیری گروهی در تربیت دانش‌آموزان، تلاش کرده است تا به خلأهای موجود در ادبیات پژوهشی بپردازد. اگرچه مطالعات متعددی به بررسی مزایا و اثرات یادگیری گروهی در بهبود نتایج تحصیلی و اجتماعی پرداخته‌اند، اما کمتر به تحلیل عمیق چالش‌ها و راهکارهای عملی ارتقای این نوع یادگیری، به‌ویژه در دوره ابتدایی، توجه شده است؛ علاوه بر این، بررسی دیدگاه‌های معلمان و استادان به‌عنوان نقش‌آفرینان اصلی در اجرای روش‌های یادگیری گروهی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در همین جهت، پژوهش حاضر با تحلیل دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان به شناسایی راهکارهای مؤثر برای ارتقای یادگیری گروهی در دوره ابتدایی پرداخته است. این پژوهش در تلاش است تا ضمن پر کردن خلأهای موجود در مطالعات پیشین، پیشنهادهایی کاربردی و مبتنی بر دانش و تجربه تخصصی برای بهبود فرایند یادگیری گروهی ارائه دهد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ پارادایم کیفی، به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش گردآوری و تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی است که از روش تحلیل محتوا به‌عنوان روش پژوهش استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه شامل استادان (زن و مرد) دانشگاه فرهنگیان شهر یزد بودند. متداول‌ترین روش نمونه‌گیری در روش‌های کیفی نمونه‌گیری هدفمند است (Petty, Thomson & Stew, 2012). ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش هدفمند و براساس ارتباط نزدیک آنها با موضوع پژوهش و اهمیت حضور آنها در پژوهش انجام بوده است. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تا اشباع داده پیش رفت. پس از مصاحبه با استادان در مصاحبه نفر ۱۷ به بعد اشباع داده حاصل گردید. از تحلیل محتوای عرفی<sup>۱</sup> برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد.





تحلیل محتوا یک روش تحقیقاتی است که برای بررسی و تفسیر داده‌های متنی و غیرمتنی به کار می‌رود. این روش به‌ویژه در علوم اجتماعی و انسانی کاربرد زیادی دارد. تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی براساس رویکرد عرفی به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه، بدون تحمیل کردن مقوله از پیش تعیین شده است. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

مراحل تحلیل محتوای عرفی به شرح زیر است:

۱- تنظیم کردن پرسش‌های تحقیقی که باید پاسخ داده شوند. ۲- برگزیدن نمونه مورد نظر که باید تحلیل شود؛ ۳- مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود؛ ۴- طرح‌ریزی فرایند رمزگذاری؛ ۵- اجرا کردن فرایند رمزگذاری؛ ۶- تعیین اعتبار و پایایی؛ ۷- تحلیل کردن نتایج حاصل از فرایند رمزگذاری.

مصاحبه‌ها به صورت حضوری ضبط شدند و سپس متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۵ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود. در راستای رعایت پروتکل‌های اخلاقی و به منظور حفظ محرمانگی، نام شرکت‌کنندگان در پژوهش فاش نشد و یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها بدون نام مشارکت‌کنندگان طبقه‌بندی گردید؛ همچنین، به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که در صورت تمایل، نتایج پژوهش در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور گام‌به‌گام انجام شد.

برای ارتقای اعتبارپذیری پژوهش، از بازنگری توسط مشارکت‌کنندگان و استفاده از نظرات تکمیلی همکاران، ممیزی بیرونی (یعنی بازبینی توسط متخصص دیگر) و روش کنترل مداوم (ثبت جزئیات در فرآیند پژوهش) استفاده شد؛ علاوه بر این، حضور در محیط پژوهش و صرف زمان کامل با شرکت‌کنندگان نیز از جمله روش‌های به کار رفته برای افزایش دقت و اعتبار پژوهش بود. به منظور ایجاد قابلیت اطمینان به پژوهش، تلاش شد تا با تشریح جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها، نحوه تصمیم‌گیری‌ها، تفسیر و تحلیل‌های صورت گرفته در فرآیند پژوهش، زمینه‌هایی برای انجام مسیرنمای حسابرسی فراهم شود. برای ارتقای تاییدپذیری یافته‌های پژوهش، تلاش شد تا با استفاده از یادداشت‌های میدانی و در فرآیند تحلیل و تفسیرهای انجام شده، اندیشه‌ها، باورها و انتظارات ذهنی پژوهشگر در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها کنترل شود؛ همچنین،

به جهت چندسویه‌سازی و به منظور اعمال نظر نهایی، یافته‌ها با چند نفر از استادان در میان گذاشته شد و نظرات اصلاحی آنان اعمال گردید. اشباع داده‌ها پس از مصاحبه ۱۴ به دست آمد؛ اما ۳ مصاحبه اضافی برای تأیید انجام شد. جدول شماره ۱ یک مشخصات جمعیت شناختی شرکت کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: مشخصات شرکت کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی
۱	زن	۳۷	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۲	زن	۴۰	دکتری	مدیریت آموزشی
۳	مرد	۴۷	دکتری	تکنولوژی آموزشی
۴	زن	۳۵	دکتری	زبان انگلیسی
۵	زن	۴۰	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۶	زن	۵۰	دکتری	روان‌شناسی بالینی
۷	مرد	۴۸	دکتری	مدیریت آموزشی
۸	زن	۳۲	دکتری	ریاضی (علوم پایه)
۹	زن	۳۶	دکتری	روان‌شناسی تربیتی
۱۰	زن	۵۲	دکتری	مشاوره
۱۱	مرد	۳۴	دکتری	مشاوره
۱۲	زن	۴۲	دکتری	علوم اجتماعی
۱۳	مرد	۴۰	دکتری	هنر
۱۴	زن	۳۲	دکتری	تربیت بدنی و علوم ورزشی
۱۵	زن	۵۴	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۱۶	مرد	۴۸	دکتری	فلسفه تعلیم و تربیت
۱۷	مرد	۵۱	دکتری	برنامه‌ریزی درسی

### یافته‌ها

نتایج بحث و گفتگو با استادان (اعضای هیأت علمی و استادان مدعو) دانشگاه فرهنگیان شهر یزد نشان داد که استادان دانشگاه فرهنگیان یزد کنش و عملکرد مناسب معلمان و دانشجو معلمان در ایجاد محیط‌های یادگیری مشارکتی در فرایند تدریس و پرورش دانش‌آموزان به مثابه یک شهروند اجتماعی مسئول و فعال را با اهمیت و ضروری بیان کردند؛ به گونه‌ای که اکثر استادان مورد مطالعه اذعان داشتند، در نظام آموزش و پرورش باید به پرورش جامعه‌پذیری و ارتباط‌گرایی هدفمند دو کنشگر اصلی نظام (معلم و

دانش آموز) توجه شود. در این زمینه، پس از تحلیل محتوای عرفی داده‌های حاصل از برگزاری مصاحبه‌های فردی با استادان دانشگاه فرهنگیان شهر یزد، عوامل مؤثر در محیط‌های یادگیری گروهی مبتنی بر کنش اجتماعی مناسب در فرایند آموزش دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه استادان به صورت زیر کدگذاری و طبقه‌بندی شدند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: کدها و مقوله‌های استخراج شده از دیدگاه استادان

مضامین فراگیر	مضامین محوری	مضامین اولیه
ارتقای محیط غنی و باکیفیت در فرایند یادگیری	ناملی بر فضای آموزشی	تشکیل محیط‌های آموزشی گروهی و فعال شبیه سازی محیط‌های واقعی برای درک یادگیری بهتر ارتقای روابط درون مدرسه‌ای بروزرسانی کتب درسی توجه به برنامه درسی آشکار و پنهان هدایت فضای مدرسه با تمرکز به آموزش‌های ضمنی
	ترکیب و تعامل ابزارهای نوین آموزشی	کاربرد ابزار های آموزشی نوین در فرایند تدریس استفاده از پلتفرم‌ها در طول کلاس‌های آنلاین در بحث‌های گروهی پرورش ارتباط و کنش‌های جهانی در یادگیری هدفمند. ایجاد و تداوم فعالیت‌های گروهی در یادگیری‌های الکترونیکی محور
ارتقای هدفمند آموزش شهروند اجتماعی	کیش بخردانه در فرایند آموزشی	ارتقای انگیزه در همکاری فعالانۀ گروهی ارزشیابی فرآیند محوری و گروهی توجه پرورش شهروند اجتماعی پرورش مسئولیت‌پذیری آمادگی برای ارتقای یک زیسته اجتماعی مطلوب با استفاده از منشور گروهی
	پرورش مهارت‌های نرم در کارکرد گروهی	بیان علت پیشرفت های گروهی در جهت کار گروهی سازنده شناسایی مهارت‌های برتر دانش‌آموزان در کار گروهی ارتقای حس همدردی و همدلی در گروه تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها با توجه به استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان آموزش ویژگی‌های یک رهبر در گروه پرورش تفکر انتقادی تربیت سواد قانون‌مداری در کار گروهی

مضامین فراگیر	مضامین محوری	مضامین اولیه
ارتقای آموزش الگوی نظام‌دار و اجتماعی در مدارس	منشورینگ و ارتباط‌گرایی	آموزش شیوه صحیح کار گروهی تفاوت در انتخاب رهبر گروه با توجه به موضوع‌های مختلف آموزش مهارت‌های زندگی و چگونگی خلق فرصت‌های یادگیری در فعالیت‌ها تعامل و کمک دانش‌آموزان در جهت رشد و تعالی همدیگر درک متقابل و ارتباط مؤثر و همکاری
	پرورش روحیه تیمی و اخلاق‌مداری در کار گروهی	ارتقای روحیه از خودگذشتگی و تلاش برای هدف گروه همه برای پیشرفت گروه تلاش کنند و پشتیبان یکدیگر باشند آموزش بعد اخلاقی در کار گروهی به دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیری ایجاد رقابت سالم بین گروه‌ها تعیین استانداردهای رفتاری و ترویج احترام متقابل در بین گروه‌ها آموزش‌های غیرمستقیم در جهت ارتقای تربیت اخلاقی گروهی

**ارتقای محیط غنی و باکیفیت در فرایند یادگیری:** از دو کد محوری تأملی بر فضای آموزشی و ترکیب و تعامل ابزارهای نوین حاصل شده و برگرفته از نظرات مصاحبه‌شوندگان است. به‌عنوان مثال مصاحبه‌شونده شماره (۰۱) بیان داشت: «کنش اجتماعی دانش‌آموزان در مدرسه باید به‌صورت گروهی باشد. تکالیف و تشویق به‌صورت کار گروهی باشد. در کلاس به‌جای منشورهای فردی منشور گروهی داشته باشیم. کودکان باید با مسائل ساده‌ای آشنا شوند که رشد سالم و طبیعی آنها را پرورش دهد و باید از دل زندگی و اجتماع، آنچه را که برای شکوفایی‌شان مفید است، برگزینیم و به زبانی دل‌نشین در اختیارشان بگذاریم؛ یعنی باید نظریه دیویی را در مدارس پیاده کنیم تا دانش‌آموز بعضی از اتفاق‌ها و واکنش‌های کلاسی را با واکنش‌های بیرون از کلاس و در جامعه، باهم و در کنار هم، یاد بگیرد. چگونه؟ معلم می‌تواند در کنار هر فعالیت فردی، یک فعالیت گروهی نیز تعریف کند. برای این کار، می‌تواند از والدین یادگیرندگان که مشاغل متنوعی دارند یا از سازمان‌های دولتی مختلف کمک بگیرد. این رویکرد به او امکان می‌دهد تا بهتر نشان دهد که مفهومی که قصد آموزش آن را دارد، در کجای جامعه، در چه محیطی، در چه زمانی و در چه کنشی از اجتماع حضور دارد. به این ترتیب، مفاهیم نظری و کاربردی را در کنار هم آموزش می‌دهد. او می‌تواند یادگیرندگان را به محل مرتبط ببرد یا موقعیتی مشابه



را در مدرسه بازسازی کند تا تجربه‌ای ملموس برای درک بهتر مفاهیم فراهم شود. در رابطه با ابزار نوین آموزشی نیز، می‌توان استفاده از اپلیکیشن‌های مجازی یا اپلیکیشن‌های دارای قابلیت شبیه‌سازی فعالیت‌های اجتماعی را در کنار کار گروهی پیشنهاد کرد؛ استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور تعامل با دانش‌آموزان در سطح جهان را نیز می‌توان از جمله تمهیدات مهم در این روند به شمار آورد؛ مصاحبه‌شونده شماره (۰۵) همچنین بیان کرد: «از مهم‌ترین جنبه‌ها در مورد تعاملات اجتماعی می‌توانیم به درک متقابل، ارتباط مؤثر و همکاری اشاره کنیم. ایجاد محیطی امن برای گفتگوی آزاد، که در آن به همه دیدگاه‌ها احترام گذاشته می‌شود، باعث ایجاد خردورزی در جامعه‌ای کوچک و تمرینی خواهد بود که دانش‌آموزان را برای ورود به جامعه آماده خواهد کرد. در رابطه با ابزارهای نوین باید گفت که استفاده از بسترهای مشترک و ابزار گفتگوی مجازی در طول کلاس‌های برخط، به منظور بحث‌های گروهی، توانایی درک مطالب درسی را افزایش می‌دهد؛ همچنین مصاحبه‌شونده شماره (۱۲) بیان نمود: «فضای فیزیکی مدرسه و همچنین روابط درون‌مدرسه‌ای، یعنی برخورد مدیر و معاونان و روابط با همسالان و هم‌کلاسی‌ها بر کنش اجتماعی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. کتاب‌های درسی هم باید به‌روزرسانی شوند و تأثیر برنامه درسی آشکار و پنهان بر کنش اجتماعی دانش‌آموزان مورد توجه قرار بگیرد و بر آن تأکید شود؛ همچنین معلم و هر آنچه در کلاس درس انجام می‌دهد، مانند روش تدریس، برخورد، نگاه، تشویق و تنبیه او بر کنش اجتماعی دانش‌آموزان اثرگذار خواهد بود.»

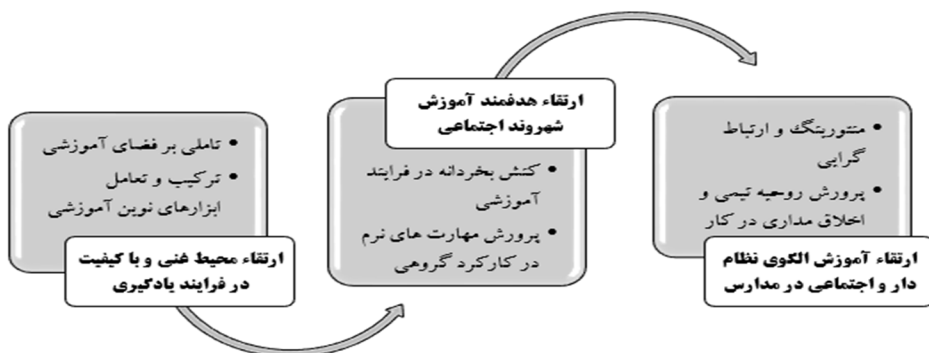
**ارتقای هدفمند آموزش شهروند اجتماعی:** دو مفهوم اصلی «کنش بخردانه در فرایند آموزشی» و «پرورش مهارت‌های نرم در کار گروهی» از نظرات مصاحبه‌شوندگان به دست آمده و بر تحلیل صحبت‌های آنها استوار است. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره (۰۶) بیان داشت: «استفاده از روش‌های فعال گروهی که به‌صورت شناختی است، باید در کلاس‌های درس مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین در کار گروهی، دانش‌آموزی که می‌خواهد به بقیه هم‌گروه‌های خود مطلبی یاد بدهد، باید ویژگی‌های فردی رهبر را داشته باشد، نیز انعطاف‌پذیر باشد؛ بدین منظور معلم باید دانش‌آموزان دارای توانایی رهبری گروه را شناسایی کند و یا این کنش‌پذیری را به دانش‌آموزان واجد صلاحیت آموزش بدهد؛

معلم همچنین باید شیوه صحیح کار گروهی را به دانش‌آموزان یاد بدهد و توجه کند گروه‌بندی دانش‌آموزان و شرح وظایف و بازخورد به عملکرد آنها برای ایجاد تعامل بهتر و تقویت کار گروهی انجام شود. مشورت گرفتن از دانش‌آموزان و القای حس ارزشمندی به آنها نیز باید مورد توجه معلمان قرار بگیرد.»

مصاحبه شونده شماره (۰۵) معتقد بود: «بیان علت پیشرفت چند گروه باعث می‌شود بقیه دانش‌آموزان به درک بهتری از چگونگی کار گروهی سازنده و موفق برسند؛ همچنین در کار گروهی در واقع ما مالکیت قسمتی از یادگیری را بر عهده خود دانش‌آموزان قرار داده‌ایم و دانش‌آموز در قبال این مالکیت احساس مسئولیت می‌کند؛ همچنین وقتی ما یکایک دانش‌آموزان را در گروه مسئول بدانیم، مسئولیت فردی را هم در کل گروه تقویت می‌کنیم.» مصاحبه شونده شماره (۰۴) بیان داشت: «می‌توان گفت زمانی که آموزگاران، با تدریس مشارکتی به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند که در مورد نحوه ارزشیابی‌شان اظهارنظر کنند، آنان را تشویق می‌کنند که نظر اکثریت را بپذیرند و به آنان کمک کنند که فاصله بین اهداف و سطح عملکرد خود را تشخیص دهند.» مصاحبه شونده شماره (۱۰) بیان کرد: «از جمله روش‌های تدریس که سبب می‌شود فراگیران هم مستقل باشند و هم تفکر انتقادی و احترام به یکدیگر را بیاموزند، تدریس مشارکتی یا همان گروهی است.»

**ارتقای آموزش الگوی نظام‌دار و اجتماعی در مدارس:** از دو کد محوری متورینگ<sup>۱</sup> (راهنمایی، مشاوره و حمایت فرد باتجربه از فرد کم‌تجربه) و ارتباط‌گیری و پرورش روحیه تیمی و اخلاق‌مداری در کار گروهی حاصل شده و برگرفته از نظرات مصاحبه شوندگان است؛ برای نمونه مصاحبه شونده شماره (۰۳) اذعان داشت: «در کار گروهی، معلم باید یادآوری کند که همه افراد در گروه وظیفه خود را درست انجام بدهند و به افراد امتیاز جدا و به گروه هم امتیاز جدا داده می‌شود و امتیاز گروه‌ها با هم مقایسه می‌شود و این کار برای ایجاد رقابت سالم در کار گروهی است.» مصاحبه‌شونده شماره (۰۷) بیان کرد: «باید توجه داشت اخلاق‌مداری در کار گروهی در سنین پایین متفاوت است، مثلاً هفت تا نه سال با نه تا دوازده سال تفاوت دارد. کودکان هفت تا نه سال به‌تازگی از خود محوری خارج شده‌اند؛ ولی هنوز بیشتر خود را می‌بینند و خیلی نمی‌توانیم با آنها

بامنطق صحبت کنیم و بیشتر غیرمستقیم و از طریق داستان به آنها آموزش می‌دهیم. اخلاق‌مداری در کار گروهی برای سنین بالاتر، یعنی بالای نه سال، می‌تواند به صورت عملی و ایفای نقش و بحث و گفت‌وگو یاد داده شود. از جمله نکاتی که می‌توان برای پرورش اخلاق‌مداری گفت این است که برای کلاس مبصر انتخاب نکنیم؛ بلکه به دانش‌آموزان گوشزد کنیم که هر کس مسئول خودش و مبصر کارهای خودش است.» مصاحبه شونده شماره (۰۸) بیان کرد: «در ماه‌های ابتدایی سال تحصیلی باید مهارت‌های زندگی و چگونگی رفتار با دیگران به دانش‌آموزان آموزش داده شود و بعد انتظار داشته باشیم که آن آموزش‌ها به صورت عملی اجرا می‌شود و آن را در رفتار دانش‌آموزان مشاهده کنیم.» مصاحبه شونده شماره (۰۹) معتقد بود: «تشکیل گروه‌های دونفره، که یک نفر در امر تحصیلی قوی‌تر و نفر دیگر ضعیف‌تر است و سپس تشویق گروه‌هایی که پیشرفت بهتری داشتند در فرایند بازخوردهای منظم باعث ایجاد رقابت سالم بین گروه‌ها می‌شود.» مصاحبه شونده شماره (۰۴) معتقد بود: «بعد اخلاقی در کار گروهی باید به دانش‌آموزان آموزش داده شود و برای افزایش مسئولیت‌پذیری می‌توان مسئولیت اداره کلاس را برعهده گروهی گذاشت و از ایجاد رقابت سالم بین گروه‌های مختلف در جهت مسئولیت‌پذیری بیشتر نسبت به همدیگر و نسبت به تمیز بودن کلاس و حفظ وسایل مورد استفاده به کار گرفت. لازم است نکات ایمنی را در کار گروهی به دانش‌آموزان آموزش داد. باید توجه شود که ایجاد رقابت سالم بین گروه‌ها بر سر مسئولیت بیشتر و کار بهتر خواهد بود.»



شکل شماره ۱: الگوی مفهومی راهکارهای ارتقای محیط کار گروهی و کنش اجتماعی مناسب در آموزش

الگوی ارائه شده نمایانگر ساختاری مفهومی است که به صورت هدفمند بر دو محور اصلی، یعنی ارتقای هدفمند آموزش شهروند اجتماعی و ارتقای آموزش الگوی نظام‌دار و اجتماعی در مدارس تمرکز دارد. این دو محور به‌عنوان ارکان کلیدی طراحی الگو، براساس تحلیل عمیق مضامین استخراج‌شده از شواهد تجربی شکل گرفته‌اند. الگو بر مبنای تعامل دوسویه بین این دو محور طراحی شده است؛ به‌گونه‌ای که آموزش شهروندی، به‌طور مستقیم از کیفیت فضای یادگیری و نحوه طراحی نظام آموزشی تأثیر می‌پذیرد و در عین حال، بر بهبود نظام اجتماعی و تربیتی مدارس نیز اثرگذار است. این تعامل دوسویه از طریق فرایندهای آموزشی نظیر بهره‌گیری از ابزارهای نوین، ایجاد فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های اجتماعی مشترک تحقق می‌یابد. این الگو بر رابطه متقابل میان اهداف آموزشی و نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان تأکید دارد و نشان می‌دهد که پیشرفت فردی و اجتماعی، دو مؤلفه جدایی‌ناپذیر در نظام آموزشی نوین هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

یادگیری گروهی نقش مهمی در بهبود نگرش و موفقیت یادگیرندگان دارد؛ بنابراین، درک و پذیرش این محیط‌ها از سوی استادان دانشگاه فرهنگیان یزد اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مطالعه، با استفاده از روش‌شناسی کیفی، دیدگاه‌ها و نظرات استادان درباره راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی شناسایی و تحلیل شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با استفاده از روش کدگذاری و مقوله‌بندی تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که درک و پذیرش استادان در زمینه ارتقای یادگیری گروهی و کنش اجتماعی مناسب شامل سه مؤلفه اصلی ارتقای محیط غنی و باکیفیت در فرایند یادگیری، ارتقای هدفمند آموزش شهروندی اجتماعی و ارتقای آموزش الگوی نظام‌دار و اجتماعی در مدارس است که شامل شش زیرمؤلفه مانند تأملی بر فضای آموزشی، ترکیب و تعامل ابزارهای نوین، کنش خردمندانه در فرایند آموزشی، پرورش مهارت‌های نرم در کارکرد گروهی، متورینگ (راهنمایی، مشاوره و حمایت فرد باتجربه از فرد کم‌تجربه) و ارتباط‌گیری و پرورش روحیه تیمی و اخلاق‌مداری در کار گروهی هستند. استادان شرکت‌کننده بر ضرورت توجه به این زیرمؤلفه‌ها برای موفقیت محیط‌های یادگیری گروهی تأکید کردند.



نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات پیشین همسو است؛ برای مثال، قربانی و جمعه‌نیا (۱۳۹۷) نشان دادند که بین خانواده، مدرسه، گروه همسالان و جامعه‌پذیری هم‌بستگی مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین، مطالعات لدفورد و والری (۲۰۱۵)، روتارو (البرزی، خوشبخت و امیری، ۱۴۰۱)، هیل و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، گوان<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) و آریپاتامانیل و دیگران<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) بر نقش یادگیری گروهی و تأثیر رسانه‌های اجتماعی در آموزش شهروندی و شکل‌گیری روحیه نقادانه در شهروندان تأکید دارند. یافته‌های جویس، ویل و کالهن (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که وابستگی موفقیت دانش‌آموزان به مشارکت گروهی منجر به افزایش فعالیت‌های مشارکتی و رشد اجتماعی آنان می‌شود؛ علاوه بر این، پژوهش سهرابی، ساری اصلانی و سلیمانی کیان (۱۴۰۲) نشان داد که کار گروهی بر بهبود انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر مثبت دارد و بین این دو مؤلفه رابطه مستقیمی وجود دارد. این نتایج بر اهمیت توجه به راهکارهای ارتقای یادگیری گروهی و تعاملات اجتماعی در محیط‌های آموزشی تأکید می‌کند.

نتایج این پژوهش نشان داد که یادگیری مشارکتی تأثیرات مثبت قابل توجهی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی، افزایش انگیزه، تعمیق درک مفاهیم و تقویت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. این یافته‌ها با مطالعات کورما و الزین (۲۰۲۴) و جواد، مجید و الرکابی<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) همخوانی دارد که بر اهمیت تقویت مهارت‌های پرسش‌گری، تفکر انتقادی و روابط اجتماعی از طریق روش‌های یادگیری دانش‌آموزمحور، پروژه‌های مبتنی بر حل مسئله، پرسش و بازخورد سازنده تأکید کرده‌اند؛ همچنین، این نتایج با پژوهش جانسون، جانسون و اسمیت<sup>۵</sup> (۲۰۲۴) که نشان دادند یادگیری مشارکتی به تقویت روابط اجتماعی و مهارت‌های تیمی کمک می‌کند و تعامل و تبادل نظر در محیط‌های مشارکتی را ارتقا می‌دهد، همسو است؛ همچنین یافته‌های این پژوهش همخوانی آن با مطالعات مووانه<sup>۶</sup> (۲۰۲۴) را تأیید می‌کند که روش‌های یادگیری مشارکتی را عاملی برای بهبود عملکرد تحصیلی می‌داند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود مقوله‌های مطرح شده در این پژوهش، از جمله

1. Hill et al
2. Guan
3. Areepattamannil et al
4. Jawad, Majeed & ALRikabi
5. Johnson, Johnson & Smith
6. Muawanah

ارتقای راهکارهای یادگیری گروهی و کنش اجتماعی در آموزش، به‌طور مستقل مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا تأثیر هر یک در اجرای عملی مشخص شود و تدابیری برای استفاده گسترده معلمان از این راهکارها اتخاذ گردد؛ همچنین، نظام آموزش و پرورش باید در راستای پرورش مهارت‌های نرم و ارتباط‌گرایی هدفمند، بستری لازم را برای مشارکت گروهی و سازمانی معلمان فراهم کند؛ به‌گونه‌ای که ایجاد محیط‌های کارگروهی محدود به تدریس مشارکتی در کلاس درس و تعامل مستقیم دانش‌آموزان با یکدیگر نباشد؛ همچنین برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مرتبط با مهارت‌های ارتباطی برای معلمان نیز می‌تواند به افزایش تعاملات معلمان با یکدیگر و کنش تعاملات گروهی در کلاس منجر شود. افزایش دسترسی معلمان به منابع تحقیقاتی در این حوزه نیز می‌تواند بر بهبود کیفیت یادگیری مشارکتی در کلاس کمک کند.

---

#### تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر بدون همکاری استادان دانشگاه فرهنگیان یزد که در پژوهش مشارکت داشتند، امکان‌پذیر نبود؛ بدین‌وسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان قدردانی و تشکر می‌شود.

---

## منابع و مآخذ

- انصاری اردلی، سجاد و رئیسی اردلی، رضا. (۱۴۰۰). «نقش بازی‌های آموزشی در افزایش یادگیری دانش‌آموزان». **دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی**. ۴(۳۸): ۸۰-۵۷.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». **پژوهش**. ۳(۲): ۴۴-۱۵.
- البرزی، محبوبه؛ خوشبخت، فریبا و امیری، زهرا. (۱۴۰۱). «نقش فضای مجازی در تربیت شهروندی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی: یک مطالعه ترکیبی». **فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی**. ۴(۵۲): ۳۳-۵.
- جویس، برویس؛ ویل، مارشا و کالهن، امیلی. (۱۳۹۱). **الگوهای تدریس**. ترجمه محمدرضا بهرنگی. ج ۸. تهران: کمال تربیت.
- سهرابی، کیانوش؛ ساری اصلانی، الهام و سلیمانی کیان، فاطمه. (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر کار گروهی بر بهبود انگیزش و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان ابتدایی». **هفتمین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش**. کرمانشاه.
- صیادپور، زهره و صیادپور، مرجان. (۱۳۹۶). «تأثیر یادگیری مشارکتی بر اضطراب و انگیزه پیشرفت تحصیلی». **پژوهش در نظام‌های آموزشی**. ۱۱(۳۹): ۱۲۰-۱۰۱.
- قربانی، علیرضا و جمعه‌نیا، سکینه. (۱۳۹۷). «نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان». **جامعه‌شناسی کاربردی**. ۲: ۱۱۳-۱۲۸.
- کرمی، مرتضی؛ محمدزاده قصر، اعظم و افشاری، معصومه. (۱۳۸۸). «تأثیر روش تدریس مشارکتی بر گروه‌گرایی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه در شهر مشهد». **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**. ۲: ۱۰۵-۹۳.
- مقدم‌زاده، علی؛ صالحی، کیوان و حسن‌زاده پلکویی، شهربانو. (۱۳۹۷). «تأثیر تدریس مشارکتی بر انسجام گروهی یادگیرندگان ابتدایی». **پژوهش در نظام‌های آموزشی**. ۱۲(۴۰): ۱۰۹-۱۲۸.
- ناصری، سهیلا؛ حضرتی، سپیده و میرزایی، آمنه. (۱۳۹۷). «بررسی زمینه‌های مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهر ایلام». **فرهنگ ایلام**. ۶۰ و ۶۶-۴۵.
- هدایتی، شهرزاد. (۱۴۰۱). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دانش‌آموزان دوره ابتدایی به روش تحلیل اسنادی». **پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی**. ۷: ۲۴۳-۲۲۹.
- Aldoseri, A. (2024). "AI-Powered Innovation in Digital Transformation: Key Pillars and Industry Impact".

*Sustainability*. 16(5): 1790.

- Areepattamannil, S.; Khurma, O. A.; Ali, N.; Al Hakmani, R. & Kadbey, H. (2023). "Examining the relationship between science motivational beliefs and science achievement in emirati early adolescents through the lens of self-determination theory". *Large-Scale Assessments in Education*. 11(1): 1- 21.
- Bezi, A.; Fakoori, H.; Bayani, A. A. & Saemi, H. (2024). "Design and Validation of an Environmental Education Curriculum Model for Higher Education Based on the "Aker" Approach". *Iranian Journal of Educational Sociology*. 7(1): 79-90.
- Fan, F. (2022). "An inquiry-based teaching model for nursing professional courses based on data mining and few-shot learning technology". *Computational Intelligence and Neuroscience*. 1-15.
- Fang, W.; Dai, S. A. & Wang, L. (2018). "Evolutionary Model and Simulation Research of Collaborative Innovation Network: A Case Study of Artificial Intelligence Industry". *Discrete Dynamics in Nature and Society*. 2: 1-13.
- Guan, K. (2024). "Challenges in Group Work from the Perspective of College Students". *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*. 45: 169-174.
- Haatainen, O. & Aksela, M. (2021). "Project-based learning in integrated science education: Active teachers' perceptions and practices". *LUMAT: International Journal on Math, Science and Technology Education*. 9(1): 149-173.
- Haq, I. U.; Anwar, A.; Basharat, I. & Sultan, K. (2020). "Intelligent Tutoring Supported Collaborative Learning (ITSCCL): A Hybrid Framework". *I J of Advanced Computer Science and Applications*. 11(8): 523-535.
- Hill, M.; Peters, M.; Salvaggio, M.; Vinnedge, J. & Darden, A. (2021). "Implementation and evaluation of a self-directed learning activity for first-year medical students". *Medical Education Online 2020*. VOL. 25. 1717780.
- Hishamuddin, F. & Shukor, N. A. (2021). "A review on the role of leadership in online learning environment among students". In *Proceedings of the 13th international conference on computer supported education* .pp. 511–516.
- Järvelä, S.; Nguyen, A. & Hadwin, A. F. (2023). "Human and Artificial Intelligence Collaboration for Socially Shared Regulation in Learning". *British Journal of Educational Technology*. 54(5): 1057-1076.
- Jawad, L. F.; Majeed, B. H. & ALRikabi, H. T. S. (2021). "The impact of CATs on mathematical thinking and logical thinking among fourth-class scientific students". *IJ of Emerging Technologies in*

- Learning*. 16(10): 194-211.
- Johnson, D. W.; Johnson, R. T.” & Smith, K. A. (2014). Cooperative learning: Improving university instruction by basing practice on validated theory”. *Journal on Excellence in College Teaching*. 25: 85-118.
  - Kafshchian Moghadam, A.; Maleki, H. & Sadeghi, A. (2024). “Designing a Citizenship Rights Curriculum Model for the Second Period of Elementary Education [Research Article]”. *Iranian Journal of Educational Sociology*. 7(2): 1-7.
  - Khurma, O. A. & El Zein, F. (2024). "Inquiry skills teaching and its relationship with UAE secondary school students ‘critical thinking: Systematic review of science teachers’ perspectives". *EURASIA Journal of Mathematics, Science and Technology Education*. 20(2): 1-15.
  - Ledford, J. R. & Wolery, M. (2015). “Observational Learning of Academic and Social Behaviors During Small-Group Direct Instruction”. *Exceptional Children*. 81(3): 272-291.
  - Li, P. H.; Mayer, D. & Malmberg, L.-E. (2024). “Student engagement and teacher emotions in student-teacher dyads: The role of teacher involvement”. *Learning and Instruction*. 91: 101876.
  - Mogelvang, A.; Vandvik, V.; Ellingsen, S.; Stromme, C. & Cotner, S. (2023). “Cooperative learning goes online: teaching and learning Intervention in a digital environment impacts psychosocial outcomes in biology students”. *I J of Educational Research*. 117:102114.
  - Muawanah, U. (2023). “The Impact of Cooperative Learning Method on Learning Motivation and Academic Achievement of Elementary School Students”. *I J of Multidisciplinary Research and Analysis*. 6: 5920- 5925.
  - Pajares, f.; Janson, M. J.; Usher, E. L. (2014). “Sources of Writing self-efficacy beliefs of Elementary, middle and High School Students”. *Research in the teaching of English*. Vol. 42. No 1: 104-120
  - Petty, N. J.; Thomson, O. P. & Stew, G. (2012). “Ready for a paradigm shift? Part 2: Introducing qualitative research methodologies and methods”. *Manual Therapy* .17: 378-384.
  - Silalahi, T. F. & Hutauruk, A. F. (2020). “The application of cooperative learning model during online learning in the pandemic period”. *Budapest International Research and Critics Institute-Journal (BIRCI-Journal)*. 3(3): 1683–1691.
  - Villera Herrera, K. A., & Pinto Lucas, Á. M. (2020). A case study of English teachers’ classroom leadership skills (Doctoral dissertation). *English Language Teaching*. University of South



Africa.

- Yang, C.; Chen, R.; Chen, X. & Lu, K. H. (2021). "The Efficiency of Cooperative Learning in Physical Education on the Learning of Action Skills and Learning Motivation". *Frontiers in Psychology*. Vol .12: 1-17.